

Investigating the Jurisdiction of Domestic and International Courts in the Assassination Case of Martyr General Qasem Soleimani and His Companions

Ali Reza Ibrahimi*

(Received on: 2020-04-25; Accepted on: 2020-12-05)

Abstract

In Dey 1398 coinciding with December 2019, the news of the cowardly assassination of Qasem Soleimani, Abu Mahdi al-Mohandes and their companions at Baghdad airport shocked everyone. The White House and President Trump himself claimed responsibility for the assassination and confessed to killing General Soleimani. International legal experts have addressed this issue in various ways; but the main question in this research is: From the perspective of international criminal law, is it possible to prosecute the perpetrators of the assassination, as well as to punish them and execute a proportionate sentence? And if so, what is the procedure? In international criminal law, real territorial and global jurisdictions are more prominent than other factors. It seems that both in international and regional courts, as well as in the relevant countries of Iraq, Iran and third countries, it will be possible to prosecute and execute the perpetrators, including Trump, US military agents, etc.

Keywords: Qasem Soleimani, Individual and Governmental Assassination, Traditional and Modern, Global Jurisdiction, Real Jurisdiction, Territorial Jurisdiction.

* Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, University of Qom, Qom, Iran, ar.ebrahimi@qom.ac.ir.

پژوهش نامه مذاهب اسلامی

«مقاله پژوهشی»

سال هشتم، شماره پانزدهم، بهار و تابستان ۱۴۰۰، ص ۴۱۳-۴۳۲

بررسی صلاحیت محاکم داخلی و بین‌المللی در پرونده ترور سردار شهید قاسم سلیمانی و همراهان

علی‌رضا ابراهیمی*

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۰۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۱۵]

چکیده

در دی ماه ۱۳۹۸، مطابق با دسامبر ۲۰۱۹، خبر ترور ناجوان‌مردانه قاسم سلیمانی، ابومهدی المهندس و همراهانشان در فرودگاه بغداد همه را شوکه کرد. کاخ سفید و شخص ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده، مسئولیت دستور ترور وی و همراهانش را پذیرفت و اعتراف به قتل سردار سلیمانی کرد. متخصصان حقوق بین‌الملل از جهات مختلف به این موضوع پرداختند؛ اما مسئله اصلی در این تحقیق آن است که: اصولاً آیا از منظر حقوق جزای بین‌الملل امکان تعقیب عامل این قتل و ترور ایشان و همراهانشان و نیز مجازات و اجرای حکم متناسب وجود دارد؟ همچنین کیفیت آن به چه صورت است؟ در مباحث حقوق کیفری بین‌المللی صلاحیت‌های واقعی سرزمینی و جهانی نسبت به سایر عوامل، ظهور بیشتری در این مسئله پیدا می‌کند. به نظر می‌رسد هم در محاکم بین‌المللی و منطقه‌ای و هم در کشورهای مرتبط عراق، ایران و کشورهای ثالث امکان تعقیب و محاکمه و اجرای حکم مسببان و مباشران، شامل ترامپ، عوامل ارتش آمریکا و ... وجود خواهد داشت.

کلیدواژه‌ها: قاسم سلیمانی، تروریسم فردی و دولتی، سنتی و مدرن، صلاحیت جهانی، صلاحیت واقعی، صلاحیت سرزمینی.

مقدمه

واژه terrorism فرانسوی و در فارسی به معنای وحشت افکنی، هراس افکنی و ارباب‌گری آمده است. برای این واژه تعاریف گوناگونی بیان شده است. تعریف زیر در پیش‌نویس اساس‌نامه دادگاه کیفری بین‌المللی وجود دارد: «ارتکاب، سازمان‌دهی، حمایت، دستور تسهیل، تأمین مالی، تشویق و تحمیل اقدامات خشونت‌آمیز علیه دولت دیگر که اشخاص یا املاک را با هدف ایجاد رعب و وحشت و ترس یا احساس ناامنی در اذهان عمومی، گروه‌ها (جمعیت‌های معین و نه پراکنده و غیر مرتبط از افراد) یا عامه مردم را با هر ملاحظه سیاسی، فلسفی، ایدئولوژیکی، نژادی، قومی، مذهبی یا از این قبیل هدف قرار دهد». نقش سپهد قاسم سلیمانی در رهبری و هدایت نیروهای مبارزه با تروریسم، القاعده، النصره و سایر گروه‌های تکفیری در ایران، عراق، سوریه، افغانستان و فلسطین اشغالی و منطقه خاورمیانه بی‌بدیل بود. از این رو ایالات متحده که سلیمانی را مانع جدی در استمرار حضور نامشروع خود در منطقه می‌دید، تصمیم به ترور او گرفت. از آنجا که محل وقوع جرم ترور، در خارج از قلمرو ایران اتفاق افتاد، بررسی صلاحیت محاکم قضایی ایران در رسیدگی به پرونده وی ضروری می‌نماید. فرضیه اصلی بر صلاحیت محاکم ایران، عراق و کشورهای ثالث استوار است؛ فرضیه رقیب، جمهوری اسلامی ایران را به دلیل واقع‌نشدن جرم ترور در ایران ناصالح می‌داند. لذا ضروری است به استناد منابع و مستندات حقوق بین‌الملل کیفری، انواع صلاحیت دادگاه‌های مرتبط با پرونده از قبیل صلاحیت شخصی، صلاحیت محلی، صلاحیت واقعی و صلاحیت جهانی بررسی شود (Crenshaw, 2004: 34; Spencer, 2006: 58; Duyvesteyn, 2010: 213).

مفهوم‌شناسی «تروریسم»

«در فرهنگ لاروس، «ترور» به استفاده سیستماتیک از خشونت و ترس برای ایجاد قدرت و توانایی پذیرفته‌شده از طریق جبر و زور است و تعریف تروریسم به مجموعه کل فعالیت‌های خشونت‌آمیز و اقدامات سیاسی که به طرف مردم، تملکات و تشکیلات آنها سوق داده می‌شود و بر اساس خشونت صورت می‌پذیرد، اطلاق می‌شود» (Spencer, 2006: 89). همان‌گونه که گفته شد، اولین تعریف جامع بین‌المللی از اقدام تروریستی به کنوانسیون ۱۹۳۷ ژنو برمی‌گردد؛ آن کنوانسیون اقدام تروریستی را «اقدامات کیفری علیه یک دولت با هدف ایجاد وحشت در اشخاص و گروه‌های خاص یا در سطح جامعه تعریف می‌کند» (ماده اول، بند اول، ۱۹۷۲، UN). کنوانسیون در مواد مختلف جزئیات بیشتری مطرح می‌کند. مثلاً در ماده دوم، بندهای ۱ الف، ۱ ب، ۱ ج به اقداماتی

اشاره می‌کند که باعث مرگ یا صدمات جانی یا سلب آزادی می‌شود؛ یا در بند سوم، ماده دوم از اقدامات خودسرانه که باعث به خطر افتادن جان مردم می‌شود، سخن می‌گوید. در بند دوم، ماده دوم، به اقدامات خودسرانه‌ای اشاره می‌کند که به تخریب اموال عمومی منجر می‌شود. در ماده دوم، بند پنجم بحث تولید و در اختیار گرفتن سلاح مهمات یا مواد انفجاری و تخریبی مطرح است. توطئه، تحریک به انجام دادن عمل مجرمانه، تحریک مردم به انجام دادن کاری حتی اگر موفقیت‌آمیز نباشد، یا مشارکت ارادی و همکاری در اقدامات مجرمانه از جمله اموری است که در این کنوانسیون به آنها اشاره شده است. دوگارد معتقد است وسعت تعریف کنوانسیون ژنو از تروریسم بین‌المللی و گستردگی حوزه‌ها عملاً باعث شد دولت‌های کمی این کنوانسیون را تصویب کنند (Dugard, 1973: 94). این روند از آن زمان تا کنون ادامه داشته و دولت‌ها توانستند به تعریف جامعی از تروریسم بین‌المللی دست پیدا کنند (خیری، ۱۳۹۰: ۱۵۱).

به موضوع جرم بودن اقدامات تروریستی در کنوانسیون‌های بین‌المللی توکیو ۱۹۶۳ (به خطر انداختن امنیت هوایی)، کنوانسیون لاهه ۱۹۷۰ (هواپیماربابی)، کنوانسیون مونترال ۱۹۷۱ (هواپیماهای غیرنظامی)، کنوانسیون مونترال ۱۹۸۸ (ممنوعیت تروریسم در فرودگاه‌های بین‌المللی غیرنظامی)، کنوانسیون ۱۹۸۸ (علیه امنیت کشتی‌رانی)، نیویورک ۱۹۹۷ (نقی و ممنوعیت بمب‌گذاری تروریستی) اشاره شده است (Cassese, 2006: 155). در کنوانسیون ۱۹۹۹ نیویورک و مجمع عمومی، ممنوعیت تأمین مالی فعالیت‌های تروریستی لاهه ۱۹۷۰، تصرف غیرقانونی هواپیما ۱۹۷۳، جرایم علیه کشور تحت حمایت بین‌المللی ۱۹۸۰، حفاظت فیزیکی از مواد هسته‌ای، پروتکل مربوط به مبارزه با اعمال غیرقانونی خشونت‌آمیز در فرودگاه‌های بین‌المللی غیرنظامی ۱۹۸۸، بیان شده است. قطعنامه شورای امنیت بر مبارزه با تروریسم تأکید بسیار دارد، از جمله قطعنامه‌های ۱۲۶۷، ۱۳۷۳، ۲۱۷۸ و ۲۱۷۹ که در این زمینه صادر شده است؛ به‌ویژه در قطعنامه ۱۳۷۳ سه روش مقابله با تروریسم، شامل ضبط اموال تروریست‌ها، منع تأمین سلاح برای تروریست‌ها، منع تردد تروریست‌ها بیان شده است (Spencer, 2006: 231). انواع ترور شامل ترور شخصیت، ترور دولت‌ها، تروریسم بین‌المللی، ترور هسته‌ای و تروریسم سایبری می‌شود. تروریسم از سوی دیگر به داخلی و بین‌المللی تقسیم می‌شود. در تروریسم بین‌المللی ملیت‌های مختلف در ترور درگیرند. از سوی دیگر، محل ترور تحت حاکمیت دولتی است که تروریست‌های غیردولتی تابعیت آن را دارند. جنبش‌های رهایی‌بخش ملی یا مبارزان آزادی از تعریف تروریسم خارج‌اند (Williamson, 2009: 99).

اعمال ارتكابی مجرمانه تروریستی قابل رسیدگی در محاکم

به موجب مواد دوم و سوم و سایر مواد اساس‌نامه دادگاه کیفری بین‌المللی جرایم تجاوز نظامی، کشتار دسته‌جمعی، نسل‌کشی و جنایات جنگی در دادگاه کیفری تعقیب پذیرند. اکنون باید بررسی شود که: آیا ترور در زیرمجموعه صلاحیت دادگاه کیفری بین‌المللی قرار می‌گیرد یا خیر؟ در جواب به این پرسش لازم است ابتدا صلاحیت‌های مختلف در حقوق جزای بین‌الملل مرتبط با موضوع تحقیق بررسی شود.

تروریسم را به صورت جرم مستقل یا در قالب سایر جرایم بین‌المللی می‌توان تعریف کرد. در صورت اول مسلماً عناصر مادی و معنوی جرم ارتكابی و مخالف نظم داخلی و بین‌المللی محقق شده است که در تعریف جرم می‌گنجد. در حقوق کیفری بین‌المللی برای رسیدگی به جرایم ارتكابی، اصل را بر صلاحیت سرزمینی قرار می‌دهند. صلاحیت سرزمینی به معنای آن است که در هر سرزمینی جرم اتفاق افتاده است، دادگاه‌های همان سرزمین صلاحیت رسیدگی به آن جرم را دارند؛ اما بر این اصل مهم، در حقوق جزای بین‌الملل استثنائات مختلفی وارد شده است که عبارت‌اند از: صلاحیت شخصی، صلاحیت مبتنی بر تابعیت مجنی‌علیه، صلاحیت واقعی، صلاحیت جهانی.

در تعریف هر یک از انواع صلاحیت‌ها می‌توان گفت صلاحیت شخصی بر محور تابعیت و علقه رابطه سیاسی و معنوی میان تبعه و دولت متبوع استوار است. در جواب این پرسش که «آیا صلاحیت مبتنی بر تابعیت مجنی‌علیه، همان صلاحیت شخصی است یا خیر؟» در میان حقوق‌دانان دو نظر وجود دارد: برخی آن دو را دارای یک مفهوم می‌شمرند و برخی دیگر میان آنها تمایز و تفاوت قائل می‌شوند. مسلماً هر دو صلاحیت به معنای صلاحیت محاکم داخلی نسبت به تبعه خودش که در خارج از قلمرو حاکمیتی در معرض جنایت قرار گرفته اعمال می‌شود؛ در صورتی که منافع هر یک از کشورهای عضو جامعه بین‌المللی به خطر افتد و این اقدامات به خارج از کشور مرتبط باشد، اعم از اینکه مباشرت یا معاونت در خارج و مباشرت در داخل کشور مربوطه صورت پذیرد، موضوع صلاحیت واقعی مطرح می‌شود. اعلام صلاحیت راجع به عناصر فیزیکی خارج از قلمرو تحت حاکمیت کشور مرتبط در چارچوب صلاحیت واقعی تفسیر می‌شود و در صورتی که جرم دارای وصف بین‌المللی باشد و تهدیدی بر صلح و امنیت بین‌المللی محسوب شود، جرم بین‌المللی است. در اساس‌نامه دادگاه کیفری بین‌المللی چهار نوع جرم، جنایات جنگی، نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت، و تجاوز در صلاحیت این دادگاه بین‌المللی احصا شده است (Cassese, 2006: 185).

بررسی مصداقی انتساب جرم ترور به ایالات متحده آمریکا

سه فروند هواپیمای بدون سرنشین آمریکایی به آسمان محل اعزام شدند، بدون هیچ ترسی از مشکلات احتمالی در فضای هوایی عراق که کاملاً تحت تسلط ارتش ایالات متحده بود. هر یک از آنها به چهار موشک (هلفایر) مجهز بودند. این گزارش درباره چگونگی ترور سردار سلیمانی به دست نیروهای آمریکایی، بر اساس مصاحبه با دو فردی است که مستقیماً با جزئیات این عملیات درگیر بوده‌اند و نیز اطلاعاتی از سایر مقامات آمریکایی که درباره عملیات، گزارش‌هایی را دریافت کرده‌اند.

در مانیتورهای بزرگ، مقامات مختلف آمریکایی شاهد همه صحنه‌هایی بودند که در آن فرمانده شبه‌نظامی عراقی، پله‌هایی را برای استقبال از فرمانده سپاه قدس ایران، در هنگام بیرون آمدن از هواپیما آماده می‌کرد. حادثه در ساعت یک نیمه‌شب اتفاق افتاد. تصاویر مادون قرمز دریافتی از دوربین‌های مدار بسته، سیاه و سفید و نامشخص بود. بنابراین، هیچ چهره‌ای قابلیت شناسایی نداشت (www.japantimes.co.jp, 2020: 320). جینا هاسپل، رئیس CIA، از دفتر این آژانس در لانگلی ویرجینیا، مشغول نظارت بر عملیات بود. وزیر دفاع، مارک اسپر از نقطه‌ای دیگر عملیات را نظاره می‌کرد. بخشی دیگر از مقامات آمریکا در کاخ سفید عملیات را می‌دیدند، اما دونالد ترامپ در آن زمان در فلوریدا بود.

این تصاویر نشان می‌داد که دو چهره ارشد نظامی ایرانی و عراقی وارد یک خودرو سدان شدند و بقیه همراهان آنها نیز سوار یک مینی‌ون شدند و به سرعت در پشت آنها حرکت کردند (Ibid.). همان‌طور که خودروها به سمت خارج فرودگاه حرکت می‌کردند، هواپیماهای بدون سرنشین هم به دنبال آنها بودند. متخصصان اطلاعات سیگنال، به منظور تأیید هویت این دو فرمانده به دنبال ردیابی تلفن‌های موبایل سرنشینان بودند. نقشه‌برداری و اطلاعات زمینی از ماهواره‌ها بر صفحه نمایش اپراتورهای هواپیماهای بدون سرنشین نتیجه سال‌ها فعالیت و پیگیری بود. وسایل نقلیه دیگر گهگاه از کنار خودروهای هدف عبور می‌کردند، اما ترافیک سبک بود. مینی‌ون در بخشی از مسیر از سدان جلو افتاد.

در مقر فرماندهی مرکزی آمریکا در قطر، که از آنجا این عملیات در حال هدایت و اجرا بود، هیچ شک و شبهه‌ای درباره اینکه چه کسی داخل آن وسایل نقلیه است، وجود نداشت. کسانی که مشغول تماشای عملیات بودند، شاهد حمله موشک‌ها از پهپادها بودند. هر دو وسیله نقلیه در یک آن تبدیل به گلوله آتش شد. در مجموع، چهار موشک شلیک شد. هیچ‌کس از این حمله جان به در نبرد. مقامات ارتش آمریکا در نقاط مختلف جهان مستقیماً حمله را مشاهده می‌کردند. عملیات

موفقیت‌آمیز بود، اما واکنش‌ها به این حمله به دلیل نوع و شدت آن چندان خوشایند نبود و مقامات در این فکر بودند که این حمله چه واکنشی می‌تواند به وجود آورد.

این عملیات از لحاظ فنی یا اطلاعاتی برای آمریکا کاملاً مهم بود و اینکه انجام این‌گونه عملیات، تا چه حد برای آمریکا معمول و آسان شده است، اهمیت بسیار داشت (Ibid.: 322). آنتونی کوردسمن که درباره روندهای نظامی در مرکز مطالعات راهبردی و بین‌المللی در واشنگتن مشغول مطالعه است، می‌گوید حملات هدفمند مانند نمونه‌ای که منجر به ترور سردار سلیمانی شد، نشان‌دهنده تغییری اساسی در جنگ‌افزارها است. این حملات به هشیاری، نظارت و تلاش برای شناسایی بسیار گسترده نیاز دارد، که اساساً هیچ کشور دیگری در جهان نمی‌تواند با آن مطابقت داشته باشد و بسیار گران‌قیمت، وقت‌گیر و نیازمند تخصص پیشرفته است. تنها نکته متفاوت درباره ترور سردار سلیمانی این بود که او مقامی رسمی و مقام ارشد دولت دیگر بود. به همین دلیل و با توجه به انتظار تلافی از سوی ایران، این حمله بسیار جنجالی‌تر از سایر حملات مشابه خود شد؛ اما از نگاه فنی، این حمله کاملاً دقیق و اساسی بود.

سلیمانی مدت طولانی در خاورمیانه به صورت غیرمحسوس حضور داشت، اما در سال‌های اخیر به شکل عمومی رفت و آمد می‌کرد. در حالی که مشغول طراحی راهبردی برای مقابله با منافع ایالات متحده در عراق و جاهای دیگر بود، با همگان عکس می‌گرفت؛ بنابراین، پیداکردن او به سختی یافتن بن‌لادن در سال ۲۰۱۱ در پاکستان یا ابوبکر البغدادی، رهبر گروه داعش که در حمله آمریکا در اکتبر ۲۰۱۹ در سوریه کشته شد، نبود. ردیابی سفرهای وی کمی زمان برد. دانستن اینکه دقیقاً کجا خواهد بود و ترورش به شکلی باشد که خطر تلفات غیرنظامی در پی نداشته باشد، از نظر آمریکایی‌ها شاهکار اطلاعاتی است.

یکی از اپراتورهای ویژه سابق CIA که با عملیات‌های مشابه سر و کار داشته است، گفت این کارها مشکل است. چیزهای بسیاری هست که ممکن است اشتباه از آب درآید. هواپیماهای بدون سرنشینی که به دنبال کاروان سلیمانی بودند بی‌صدا نیستند، اما در محیط شهری مانند بغداد، صدایی که ایجاد می‌کنند به راحتی تشخیص‌پذیر نیست. هیچ نشانه‌ای وجود نداشت که مردان حاضر در وسایل نقلیه بدانند که قرار است هدف حمله قرار گیرند.

دولت عراق از اینکه ایالات متحده بدون مشورت، یک مقام کشور همسایه را در خاک عراق کشته است، راضی و خشنود نبود. دو مقام امنیتی عراقی به رویترز گفتند که در حال بررسی نقش مظنونان به جاسوسی اطلاعاتی برای آمریکا در فرودگاه بغداد هستند. همچنین، به گزارش رویترز،

سازمان اطلاعات سوریه در حال تحقیق درباره دو کارمند هواپیمایی چم‌وینگز است. مقامات ایالات متحده به NBC می‌گویند چندین روز از نزدیک تحرکات سلیمانی را در سراسر منطقه نظارت می‌کردند. دولت ترامپ مدعی بود که سلیمانی قصد داشت حملاتی را علیه آمریکایی‌ها ترتیب دهد؛ هرچند هیچ مدرکی که اثبات‌کننده این ادعا باشد منتشر نکرد (Ibid.: 331).

صور مختلف جرم واقع شده

اقدام آمریکا در ترور سپهبد سلیمانی به هیچ وجه مشروعیت ندارد و ادعاهای مقامات آمریکایی با هیچ نگاهی از نظر اصول حقوق بین‌الملل پذیرفتنی نیست. این ترور به گونه‌ای هدفمند بود که حتی مقامات داخلی آمریکا هم راجع به آن موضع گرفتند. از نظر حقوق بین‌الملل، حق حیات، حق بنیادین بشری است و نقض آن به معنای نقض قاعده آمره محسوب می‌شود. اختلافات کشورها باید بر اساس اصل حل و فصل مسالمت‌آمیز انجام شود و توسل به زور به هیچ وجه پذیرفته نیست. امیران دولت‌ها در دیگر کشورها باید مصونیت داشته باشند، اما در اینجا آمریکا مصونیت مقام ایرانی را در دولت عراق نقض کرده است. از منظر حقوق ضدتروریسم، این ترور نقض معاهده کنوانسیون ۱۹۷۴ نیویورک است.

حسین شیخ‌الاسلام می‌گوید در تبادل منطقه‌ای، به‌ویژه با عراق، دیپلماسی ما باید فعال باشد؛ حاج قاسم سلیمانی برای کار سیاسی و میانجی‌گری با عربستان سعودی رفته بود. لذا باید از عراقی‌ها بخواهیم که وارد عمل شوند. اینکه اقدام آمریکا قتل، ترور یا هر چیز دیگری بوده اهمیت بسیار دارد. طبق دیدگاه کارشناسان حقوق بین‌الملل، ترور سردار سلیمانی نقض ماده دوم منشور سازمان ملل متحد بوده و به مخاطره انداختن صلح و امنیت بین‌المللی محسوب می‌شود؛ بسیاری از موافقت‌نامه‌ها و حتی حقوق بشردوستانه را آمریکا نقض کرده است. از سوی دیگر، ایران با آمریکا جنگی نداشته است تا گفته شود که یک نفر را ترور کرده‌اند (Ibid.: 330).

دفاع مشروع با تجاوز

بر اساس این اصل، هر زمان دولتی در معرض تجاوز نظامی بالفعل یا قریب‌الوقوع حتمی قرار گیرد، می‌تواند برای دفع تجاوز به اقدام نظامی متناسب متوسل شود. آیا می‌توان تجمع اطراف سفارت آمریکا را به منزله تهاجم نظامی بالفعل یا قریب‌الوقوع حتمی علیه آمریکا قلمداد کرد؟ مسلماً چنین دیدگاهی با تعریف عرفی و نیز کلاسیک از دفاع مشروع، همخوانی نخواهد داشت. از سوی دیگر، سخنان ضد و

نقیض مقامات آمریکایی خود گواهی است بر اینکه این ترور از پیش برنامه‌ریزی شده و هیچ حمله قریب‌الوقوعی در کار نبوده است. از جمله توییت ترامپ: «[سردار] قاسم سلیمانی هزاران سرباز آمریکایی را در دوره زمانی بلندی کشته یا شدیداً مجروح کرده و برای کشتن شمار بیشتری نیز توطئه می‌کرده است». بنابراین، حتی دکتربین‌المللی دفاع پیش‌گیرانه هم پذیرفتنی نیست، ضمن اینکه دکتربین‌المللی مذکور را هیچ‌گاه اکثریت حقوق‌دانان بین‌المللی نپذیرفته‌اند. حمله ایالات متحده به همراه دیگر هم‌پیمانان با توجیه دفاع پیش‌گیرانه در سال ۲۰۰۳ به عراق مغایر با منشور ملل متحد، رویه دیوان بین‌المللی دادگستری در تعریف دفاع مشروع و اصول عام حقوق بین‌الملل بوده است. ممکن است آمریکایی‌ها مدعی باشند که اقدامات حشد الشعبی، تهدید امنیتی علیه منافع آنان در منطقه و سرزمین عراق خواهد بود و مجبور به دفاعی پیش‌دستانه بوده‌اند. در پاسخ به این توجیه باید بگوییم موازین اجرا و اعمال حق دفاع مشروع به خوبی در رویه دیوان بین‌المللی دادگستری، و نیز تفاسیر موجود از ماده یازدهم منشور ملل متحد، موجود است. وجود حمله اولیه خارجی، اعم از عینی یا قریب‌الوقوع (حمله مسلحانه فوری و قریب‌الوقوع)، تحقق آستانه اقدامات نظامی موجد شکل‌گیری مفهوم حمله مسلحانه، انتساب حمله تهاجمی به یک دولت، دولت‌بودن طرف مقابل، ضرورت و تناسب در دفاع، و رعایت موازین حقوق بین‌الملل بشردوستانه، عواملی است که رویه دادگاه کیفری بین‌المللی بر آن تأکید کرده است. بنابراین، به‌روشنی دیده می‌شود که اقدام نیروهای آمریکایی در هدف قراردادن حشد الشعبی و سردار سلیمانی هرگز نمی‌تواند در حیطه ماده ۵۱ منشور ملل متحد جای گیرد. باید توجه داشت در هر وضعیتی وقوع حمله نظامی، شرط اساسی و اصلی دفاع مشروع است. پس هر گونه حمله پیش‌گیرانه در این موضوع فاقد ارزش حقوقی است و دفاع محسوب نمی‌شود (Williamson, 2009: 245).

از سوی دیگر، باید توجه داشت که دفاع مشروع حقی است استثنایی و فقط در صورتی اعمال می‌شود که ابزار دیگری وجود نداشته باشد. بنابراین، بر اساس معیار ضرورت و تناسب، از آنجا که حمله مسلحانه‌ای که قابلیت انتساب به دولت عراق داشته باشد صورت نگرفته، توسل به زور علیه نیروهای عراقی، بدون شک اقدامی خلاف حاکمیت و تمامیت ارضی این کشور محسوب می‌شود.

دکترین جنگ علیه تروریسم

برخی مدعی‌اند چون سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در بیانیه آوریل ۲۰۰۹ ایالات متحده، سازمانی تروریستی دانسته شده، بنابراین هر گونه اقدامی در هدف قراردادن فرماندهان سپاه در هر نقطه‌ای از جهان، مصداق دکتربین‌المللی مبارزه با تروریسم است. توضیح آنکه، در سال ۲۰۰۱ و پس از

حملات ۱۱ سپتامبر، کنگره آمریکا با تصویب قانونی، اجازه بی‌حد و حصر به رئیس‌جمهور در جهت توسل به زور، ضروری و متناسب علیه ملت‌ها، سازمان‌ها یا اشخاصی را داد که به تشخیص وی در حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر به هر نحوی دست داشته‌اند.

در پاسخ به این محدود افراد باید خاطرنشان کرد که اولاً دکتترین جنگ با تروریسم (دکتترین بوش) هیچ جایگاهی در حقوق بین‌الملل ندارد و صرفاً زائیده تفکر جنگ‌طلبانه بوش و در راستای بیشینه‌کردن منافع آمریکا در منطقه بوده است. ثانیاً برای آنکه به چنین توجیهی متوسل شوند، باید ارتباطی معنادار میان سردار سلیمانی و القاعده یا حملات ۱۱ سپتامبر بیابند. نیک می‌دانیم که چنین چیزی به هیچ وجه در بررسی کمیسیون ۱۱ سپتامبر و گزارش آن به سنای آمریکا در ۲۰۱۸ دیده نشده است.

صلاحیت جهانی

طبق اصل صلاحیت جهانی، بعضی از جرایم بین‌المللی به قدری اهمیت دارد که دولت‌ها می‌خواهند مرتکبان جرایم را فارغ از ملیت آنها یا محل ارتکاب جرم، پای میز عدالت آورند. این اصلی حقوقی و عرفی است و بدان معنا است که کلیه دولت‌ها باید از آن پیروی کنند. دولت‌ها باید متخلفان را در دادگاه داخلی خود محاکمه کنند یا محاکمه آنان را در مکانی دیگر تسهیل کنند؛ معمولاً با توجه به نقض‌های فاحش حقوق در زمان جنگ و همچنین تخطی‌های جدی از کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو به این اصل استناد شده است. اساس‌نامه دادگاه کیفری بین‌المللی، هر دولتی را که به این معاهده متعهد است ملزم می‌دارد که مرتکبان جرایم مندرج در اساس‌نامه را بازداشت کند یا تحت پیگرد قرار دهد یا آنها را به کشور اصلی‌شان تسلیم کند. استرداد مجرمان محاکمه آدولف هیتلر برای نقش او در هولوکاست در جنگ جهانی دوم در برابر دادگاه ارتش لیندر ۱۹۶۱ اولین و مشهورترین مثال کاربرد اصل صلاحیت جهانی در دادگاهی ملی است. دادگاه در محاکمه خود اظهار کرد: «جرایمی که کل بشریت را رنجانده و وجدان ملت‌ها را شوکه کرده است و توهین بزرگی علیه نفس حقوق ملل مرتکب شده باشد». پس از آن دادگاه می‌گوید صلاحیت محاکمه جرایم طبق حقوق بین‌الملل جهانی است. مثال دیگر راجع به محاکمه‌های انجام‌شده در حین نسل‌کشی در رواندا و محاصره یوگسلاوی سابق است. شهرداری اتوبات، منطقه‌ای در رواندا، در سال ۱۹۹۹ به دادگاه نظامی سوئیس کشانده شد و به ارتکاب جرایم متعددی در حین نسل‌کشی ۱۹۹۴ از جمله جنایات جنگی محکوم شد.

الف. بررسی صلاحیت دادگاه کیفری بین‌المللی در خصوص ترور سپهد سلیمانی،

المهندس و همراهانشان

در اینجا دو صورت متصور است: ۱. چون ایران، عراق و آمریکا عضو دادگاه کیفری بین‌المللی نیستند پس اصولاً دادگاه، صلاحیت رسیدگی به این موضوع را ندارد؛ ۲. علی‌رغم اینکه ایران، عراق و آمریکا عضو دادگاه کیفری بین‌المللی نیستند امکان تعقیب و محاکمه و مجازات مرتکبان و عاملان ترور شهید سلیمانی و همراهان وجود دارد.

صورت اول

رسیدگی دیوان به پرونده‌ای مربوط به کشوری که عضو دیوان نیست، طبیعتاً منتفی است؛ زیرا طبق اساس‌نامه، این دادگاه به جرایمی رسیدگی می‌کند که پس از این تاریخ، اتباع انجام داده باشند یا در قلمرو یکی از کشورهای عضو انجام شده باشد.

صورت دوم

۱. احاله شورای امنیت ذیل ماده سیزدهم، یا اینکه با تصویب شورای امنیت سازمان ملل متحد (جرم) به دیوان احاله شده باشد. این ارجاع در چارچوب فصل هفتم منشور ملل متحد است. این دادگاه تاکنون به پنج موضوع نسل‌کشی اوگاندا، نسل‌کشی کنگو، نسل‌کشی آفریقای مرکزی، جنگ دارفور در سودان، و نسل‌کشی کنیا رسیدگی، و علیه چهارده نفر اعلام جرم کرده است.

۲. پذیرش موردی رسیدگی دیوان توسط دولتی که عضو اساس‌نامه نیست؛ ذیل ماده دوازدهم اساس‌نامه، دیوان مقرر داشته است: چنانچه (اعمال صلاحیت دیوان توسط) دولتی که عضو این اساس‌نامه نیست، به موجب بند دوم لازم باشد، آن دولت می‌تواند با سپردن اعلامیه‌ای نزد رئیس دبیرخانه، اعمال صلاحیت دیوان در خصوص جنایت مد نظر را بپذیرد. دولت پذیرنده اساس‌نامه، باید بدون هیچ‌گونه تأخیر یا استثنا با دیوان همکاری کند.

۳. به موجب ماده سیزدهم، دولت عضو، وضعیتی را که در آن یک یا چند جنایت به نظر ارتکاب یافته است، به موجب ماده چهاردهم به دادستان ارجاع می‌دهد. نیز ماده پانزدهم مقرر می‌دارد که دادستان می‌تواند رأساً بر اساس اطلاعاتی که درباره جنایات مشمول صلاحیت دیوان به دست می‌آورد، تحقیقات را آغاز کند ... امتناع شعبه مقدماتی از صدور اجازه تحقیق مانع تقدیم درخواست بعدی دادستان بر اساس حقایق یا ادله جدید درباره همان وضعیت نخواهد شد.

هرچند جمهوری اسلامی ایران، عراق و آمریکا عضو اساس‌نامه دادگاه کیفری بین‌المللی

نیستند، اما ارجاع موضوع ترور سپهد سلیمانی، المهندس و همراهان در چارچوب فصل هفتم منشور از سوی شورای امنیت به دادگاه کیفری بین‌المللی و نیز با درخواست جمهوری اسلامی ایران و عراق با صدور اعلامیه و بیانیه و پذیرش موردی صلاحیت دادگاه کیفری بین‌المللی در این قضیه امکان‌پذیر است؛ علاوه بر آنکه رأساً دادستان دادگاه کیفری بین‌المللی می‌تواند درخواست رسیدگی کند که این مسیر برای کشورهای عضو اساس‌نامه هموار است.

۴. صلاحیت تکمیلی دیوان فرصتی برای رسیدگی ایران و عراق؛ برخی تصور می‌کنند که این ضعف اساس‌نامه دادگاه کیفری است که صلاحیت تکمیلی نسبت به صلاحیت اصلی دولت‌ها در رسیدگی به جرایم تحت صلاحیت دادگاه کیفری بین‌المللی دارد (نمایان، ۱۳۹۰) در حالی که اتفاقاً این موضوع از محاسن دادگاه کیفری بین‌المللی به حساب می‌آید که دولت‌ها را تشویق به پیگیری جرایم ارتكابی از طریق به رسمیت شناختن صلاحیت ذاتی دادگاه‌های ملی در پیگیری مهم‌ترین جرایم بین‌المللی به منظور حفظ صلح و امنیت بین‌المللی کرده است (Podgers, 2003: 64). این موضوع یکی از محاسن است که کشور غیرعضوی مانند ایران و عراق در قضیه ترور سپهد سلیمانی، المهندس و همراهان در محاکم داخلی خویش اقدام به پیگیری قضایی کنند.

۵. تأثیرنداشتن سِمَت رسمی افراد، در صلاحیت دیوان؛ به موجب ماده ۲۷ اساس‌نامه، مجازات همه افراد بدون در نظر گرفتن سمت رسمی‌شان و بدون هیچ‌گونه تبعیضی اجرا خواهد شد. به طور مشخص سمت رسمی رئیس دولت (در این پرونده ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده)، یک عضو دولت یا مجلس یا نماینده یک دولت، به هیچ وجه یک شخص را (که شامل تمامی افراد عامل ترور در این پرونده هستند) که به موجب این اساس‌نامه، مسئولیت جرم را به عهده دارد معاف نخواهد کرد؛ همچنان که وجود سمت‌های مذکور به‌تنهایی علتی برای تخفیف مجازات نخواهد بود.

۶. مصونیت و قواعد شکلی به موجب حقوق داخلی و حقوق بین‌الملل مانع رسیدگی دیوان نیست. به موجب ذیل ماده ۲۷ اساس‌نامه، مصونیت یا قواعد شکلی ویژه‌ای که در حقوق داخلی یا حقوق بین‌الملل درباره مقامات رسمی اجرا می‌شود، موجب نمی‌شود که دیوان نتواند صلاحیتش را در خصوص آن اشخاص اعمال کند. با این توضیح در صورت ارجاع پرونده از سوی شورای امنیت به دیوان یا پذیرش موردی ایران و عراق نسبت به صلاحیت دیوان در این پرونده یا پیگیری مستقل دادستان دادگاه کیفری (که در این فرض به دلیل عضویت‌نداشتن ایران، عراق و آمریکا عملاً منتفی است) مانعی برای تعقیب کیفری رئیس‌جمهور ایالات متحده (ترامپ به عنوان آمر) و پامپئو

و اسپرا (رئیس سیا) و تیم امنیتی و دیپلماتیک حاضر در ایالات متحده (موسوی، سخنگوی وزارت امور خارجه، ۱۳۹۸/۱۱/۲) یا معاونین قتل (از جمله افراد مرتبط در فرودگاه سوریه و عراق) نخواهد بود.

۷. مسئولیت فرماندهان نظامی؛ به موجب ماده ۲۸ اساس‌نامه، فرمانده نظامی و حسب مورد نیروهای تحت فرماندهی و کنترل یا تحت اقتدار او در قبال جرایم در صلاحیت دیوان، مسئول‌اند. فرمانده نظامی یا شخص مذکور (عاملان قتل و ترور سپهبد سلیمانی از ارتش ایالات متحده) و مقامات مافوق مسئولیت کیفری جرایم را که افراد زیردست تحت کنترلشان انجام داده‌اند، بر عهده دارند. پس علاوه بر مباشران قتل، فرمانده عالی ارتش آمریکا در این زمینه مسئولیت کیفری دارد و تعقیب‌پذیر است.

ب. صلاحیت محاکم داخلی ایران و عراق راجع به جرم بین‌المللی [صلاحیت تکمیلی]

مطابق مقررات اساس‌نامه دادگاه کیفری بین‌المللی، برخلاف دادگاه‌های ویژه رسیدگی به جنایات جنگی بوسنی (نسل‌کشی بوسنی و کشتار سربرنیتسا و نسل‌کشی در رواندا) که از صلاحیت هم‌زمان با دادگاه‌های ملی برخوردار بودند، راجع به دیوان بین‌المللی کیفری اصل صلاحیت تکمیلی پذیرفته شده است. به این معنا که مسئولیت اصلی در تعقیب و رسیدگی به جنایات، موضوع صلاحیت دیوان با دادگاه‌های ملی است و در صورت تمایل نداشتن یا ناتوانی دادگاه‌های ملی یا نبود دستگاه قضایی مستقل و کارآمد، دیوان بین‌المللی کیفری اعمال صلاحیت خواهد کرد. به این ترتیب صلاحیت این دیوان مکمل محاکم ملی است؛ اما جایگزین یا جانشین آنان نیست. با این توضیح دادگاه‌های ملی ایران و عراق در این پرونده صلاحیت اصلی دارند.

گونه‌شناسی جرم تروریسم

۱. استقلال جرم تروریسم

در این نگرش، تروریسم جرمی متفاوت با جرایم چهارگانه تحت صلاحیت دادگاه‌های کیفری بین‌المللی است. عناصر مادی و معنوی جرم تروریسم در جرایم بین‌المللی تحت صلاحیت دادگاه کیفری بین‌المللی، با جنایات جنگی کشتار دسته‌جمعی، نسل‌کشی و تجاوز تداخل دارند که اینها در پرونده شهادت سپهبد سلیمانی و همراهان، وفق مقررات اساس‌نامه دادگاه کیفری قابل پیگیری است. برخی از حقوق‌دانان کیفری بین‌المللی معتقدند چون تعریف واحدی برای تروریسم وجود

ندارد و ماهیت تروریسم به گونه‌ای است که در حالات و شرایط مختلفی انطباق‌پذیر است، تعریف‌نشدن تروریسم تحت صلاحیت دادگاه کیفری به معنای نبود صلاحیت دادگاه در رسیدگی به تروریسم نیست؛ بلکه عناصر فیزیکی و معنوی جرم تروریسم در قالب جرایم تحت صلاحیت‌های چهارگانه دادگاه کیفری بین‌المللی تعریف‌پذیر و قابل انطباق است.

۲. تروریسم به عنوان جرم جنگی

تروریسم در برخی اسناد بین‌المللی خاص به طور ویژه به مثابه جرم جنگی طبقه‌بندی شده است. مثلاً بند نخست ماده ۳۳ کنوانسیون چهارم ژنو صراحتاً اعلام می‌دارد: جرایم جنگی و کلیه معیارهای رعب و وحشت یا تروریسم ممنوع است. همچنین، طبق پاراگراف چهارم از بند دوم ماده چهارم پروتکل دوم الحاقی کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو درباره درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی، اعمال اقدامات تروریستی علیه کسانی که نقش مستقیم در مخاصمات ندارند، ممنوع است. اشاعه رعب و وحشت در میان جمعیت غیرنظامی در ماده سیزدهم همان پروتکل ممنوع اعلام شده است (Spencer, 2006: 246).

همچنین، بند چهارم ماده چهاردهم اساس‌نامه دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا اقدامات تروریستی را ناقض ماده سوم مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و پروتکل دوم الحاقی می‌داند. بنا به نظر برخی حقوق‌دانان، نقض ماده سوم و نیز مواد دوم و سوم دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق (راجع به نقض فاحش کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و نقض مقررات یا عرف جنگ) در چارچوب ماده چهاردهم اساس‌نامه دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا و ماده هجدهم اساس‌نامه دیوان کیفری بین‌المللی قرار می‌گیرند، در صورتی که عناصر خاص تروریسم واجد عناصر جرم جنگی باشند (Greve, 2003: 75).

۳. تروریسم به عنوان نسل‌کشی

نسل‌کشی به اقدامات مجرمانه‌ای اطلاق می‌شود که به قصد نابودی تمام یا بخشی از گروه‌های ملی یا قومی نژادی یا مذهبی صورت می‌گیرد. نسل‌کشی مفهومی ناظر به جرم خاص نیست، بلکه شامل مجموعه‌ای از اقدامات مجرمانه است که معمولاً در سطحی وسیع و گسترده به قصد نابودی کل یا بخشی از گروه‌های هدف صورت می‌پذیرد (اردیلی و دیگران، ۱۳۸۵: ۴-۹). از این‌رو به نظر می‌رسد اقدامات تروریستی ویژه در چارچوب شرایط و مصادیق نسل‌کشی قابل احراز باشد، یعنی

با قصد نابودی کلی یا جزئی گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی واقع شده باشد (Fry, 2002: 153). زیرا ترامپ پس از ترور سپهبد سلیمانی، المهندس و همراهان اعتراف کرد که هنوز عواملی وجود دارند و ریشه این موضوع خشکانده نشده است؛ یعنی قصد عنصر معنوی جرم را در این مسئله (نابودی گروه مذهبی و جبهه مقاومت) مد نظر قرار داده است.

۴. تروریسم به عنوان جرم ضدبشری

طبق ماده هفتم اساس‌نامه دیوان کیفری بین‌المللی، به منظور اثبات ارتکاب جرایم ضدبشری، شاکی (یا دادستان) باید اثبات کند که جرم به عنوان بخشی از حمله گسترده یا سازمان‌یافته علیه جمعیت غیرنظامی و با آگاهی از حمله واقع شده تا جرم ضدبشری محقق شود. با این توضیح تروریسم می‌تواند منطقیاً مشمول جرم ضدبشری قرار گیرد (جوآنمرد و دیگران، ۱۳۸۲: ۴۱-۴۴). البته در صورتی که بتوان اثبات کرد ترور، بخشی از حمله گسترده یا سازمان‌یافته علیه جمعیت غیرنظامی بوده است که در قضیه ترور سپهبد سلیمانی، المهندس و همراهان باید این موضوع اثبات شود و شواهد چنین تصمیمی از سوی ایالات متحده را نشان دهد (Crenshaw, 2004: 359).

صلاحیت واقعی

آنچه دولت آمریکا و با دستور صریح رئیس‌جمهور این کشور انجام داده، نقض موازین و قواعد حقوق بین‌الملل است. برخی از حقوق‌دانان، ترور سپهبد سلیمانی را نوعی تجاوز ارضی یا سرزمینی دانسته‌اند (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۸). اما به نظر می‌رسد چون به صورت فیزیکی، تجاوزی به سرزمین ایران صورت نگرفته، این ترور را نمی‌توان تجاوز ارضی یا سرزمینی به کشور ایران دانست.^۱ اما درباره عراق، موضوع متفاوت و در خور بررسی است.

مسئله ترور از مصادیق بارز جرایم بین‌المللی است. چه به صورت مستقل و چه در قالب جرایم چهارگانه تحت صلاحیت دادگاه کیفری بین‌المللی تحلیل شود، سردار قاسم سلیمانی به صورت حضور نظامی یا دیپلماتیک بنا به دعوت عراق از سوریه در فرودگاه عراق وارد، و از او استقبال رسمی شده است. در صورتی که نماینده دیپلماتیک ایران محسوب شود، دارای مصونیت دیپلماتیک است و این مسئولیت دولت آمریکا را دوچندان می‌کند؛ در صورتی که به عنوان فردی نظامی وارد عراق شده باشد، باز ترور او جرمی بین‌المللی است. به هر حال، منافع جمهوری اسلامی ایران با ترور سپهبد قاسم سلیمانی، و منافع عراق با ترور شهید المهندس و همراهان به

صورت جدی به خطر افتاده است. در تعریف صلاحیت واقعی (protective principle) محاکم ایران و عراق، اقدامات غیرقانونی و هر گونه طرح، نقشه، اجرا و عملیات علیه منافع ملی و امنیت داخلی یا خارجی دو کشور را محکوم می‌کنند؛ پس، از این منظر، محاکم ایران صلاحیت واقعی دارند، همان‌طور که محاکم عراق نیز دارای صلاحیت سرزمینی برای تعقیب جنایت ترور سپهبد سلیمانی، المهندس و همراهان هستند. ماده هفتم قانون دادرسی کیفری فرانسه صلاحیت واقعی را به این صورت بیان کرده است: «هر بیگانه‌ای که خارج از قلمرو فرانسه، خواه به عنوان مباشر و خواه به عنوان معاون، مرتکب جرمی علیه امنیت دولت شود یا مهر دولت یا نقد رایج و اوراق ملی و اسکناس رایج بانک مجاز کشور را جعل کند، اگر در فرانسه دستگیر شود یا دولت او را با استرداد به خاک فرانسه برگرداند، مطابق قانون فرانسه محاکمه خواهد شد». قانون مجازات اسلامی ایران در ماده هشتم مقرر می‌دارد: «هر گاه شخصی غیرایرانی در خارج از ایران علیه شخص ایرانی یا علیه کشور ایران مرتکب جرمی (به جز جرایم مذکور در مواد قبل) شد و در ایران یافت شود یا به ایران اعاده گردد، طبق قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران به جرم او رسیدگی می‌شود». در این ماده به ارتکاب جرم علیه شخص ایرانی یا علیه کشور ایران تصریح شده است و ترور سپهبد قاسم سلیمانی و همراهان ایرانی وی از مصادیق بارز این ماده قانونی است؛ پس به موجب این صلاحیت، محاکم داخلی ایران صلاحیت واقعی به عنوان استثنایی بر اصل صلاحیت سرزمینی در تعقیب عاملان و مسببان ترور سپهبد سلیمانی و همراهان (تبعه ایرانی) وی را دارند.

صلاحیت سرزمینی محاکم عراق

دولت عراق به موجب اصل صلاحیت سرزمینی امکان تعقیب و محاکمه عاملان و مسببان ترور سپهبد سلیمانی، المهندس و همراهان را دارد، زیرا سیاست جنایی عراق قوانین مختلفی را برای مبارزه با تروریسم بیان کرده است، از جمله بند سیزدهم قانون مبارزه با تروریسم مصوب سال ۲۰۰۵ در مواد شش‌گانه مقرر داشته است که هر اقدام مجرمانه‌ای که فرد یا گروه سازمان‌یافته علیه فرد یا گروهی از افراد یا سازمان‌های دولتی و غیردولتی به منظور تخریب اموال عمومی یا خصوصی با هدف بر هم زدن امنیت کشور (عراق) یا ثبات و وحدت ملی یا به منظور ایجاد رعب و وحشت میان مردم برای داشتن اهداف تروریستی مرتکب شوند، تروریسم خوانده می‌شود (ماده یک)؛ و ارتکاب یا تهدید به ارتکاب هر گونه اقدام خشونت‌آمیز منجر به آسیب شدید جسمانی (شامل قتل)، ربودن، گروگان‌گیری، تخریب اموال و ... در جهت ارباب مردم (عراق) از جمله

مصادیق بیان‌شده در ماده دوم قانون ۲۰۰۵ است و در ماده چهارم، مجازات اعدام را علاوه بر فاعل، برای شریک جرم نیز پیش‌بینی کرده است. پس با استناد به این قانون، صلاحیت سرزمینی دولت عراق در پیگیری قتل و ترور سپهبد سلیمانی، المهندس و همراهان کاملاً روشن است و صدور حکم اعدام نیز در این قانون پیش‌بینی شده است.

نتیجه

هرچند برای «تروریسم» تعاریف مختلفی بیان شده، اما همه این تعاریف در ارباب، ترس و وحشت، و قتل متفق‌القول‌اند. ترور در گذشته به صورت فردی، سنتی و داخلی صورت می‌گرفت، اما امروزه به صورت بین‌المللی، مدرن و سازمان‌یافته نیز انجام می‌شود. دولت ایالات متحده از مصادیق بارز تروریسم دولتی و شخص ترامپ مصداق بارز تروریسم است. صلاحیت دادگاه کیفری بین‌المللی (راجع به اشخاص حقیقی)، در صورتی که تروریسم در قالب یکی از جنایات تحت صلاحیت این دادگاه تفسیر شود محرز است. دولت‌های ایران و عراق امکان صدور اعلامیه و بیانیه به منظور پذیرش موردی صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی را برای رسیدگی به ترور سپهبد سلیمانی و همراهان دارند. به‌علاوه شورای امنیت می‌تواند رأساً پرونده را به دادگاه کیفری بین‌المللی احاله دهد (که با توجه به حق وتوی آمریکا عملاً منتفی است). علاوه بر صلاحیت دادگاه کیفری بین‌المللی، از آنجا که جرم ترور سپهبد سلیمانی و همراهان از مصادیق بارز جرم بین‌المللی است، محاکم داخلی ایران و عراق صلاحیت رسیدگی به پرونده و تعقیب ترامپ و مسببان و عاملان ترور را دارند. همچنین، ایران به موجب صلاحیت واقعی، و عراق به موجب صلاحیت سرزمینی امکان تعقیب و محاکمه مجرمان مرتبط با این پرونده را دارا هستند.

پی‌نوشت

۱. آنچه در تحلیل تجاوز عراق به کویت مستند شورای امنیت قرار گرفته بود.

منابع

- اردبیلی، محمدعلی؛ حبیب‌زاده، محمدجعفر؛ فخر بناب، حسین (۱۳۸۵). «نسل‌کشی و ضرورت جرم‌انگاری آن در حقوق ایران»، در: مطالعات راهبردی، دوره ۱۰، ش ۳ (۴۷)، ص ۱-۲۵.
- جوان‌مرد، مجید؛ نیک‌نفس، مهدی؛ گماری‌کشی، مسعود (۱۳۸۲). «آشنایی با دیوان بین‌المللی کیفری»، گزارش دفتر بررسی‌های حقوقی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- خیبری، کابک (۱۳۹۰). «حقوق بین‌المللی و مسئله تروریسم»، در: مطالعات روابط بین‌الملل، دوره ۴، ش ۱۷، ص ۱۵۱-۱۷۸.
- میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۹۸). گفت‌وگو با خبرگزاری ایکن، در: <https://www.icana.ir/Fa/News/>
- نمایان، پیمان (۱۳۹۰). «صلاحیت قضایی دیوان کیفری بین‌المللی در رسیدگی به تروریسم بین‌المللی»، در: مطالعات راهبردی، س ۱۴، ش ۱، ص ۵۹-۸۴.
- A Question of Laws (2020). "Was U.S. Killing of Iran's Soleimani Self-defense or Assassination?", available at: www.japantimes.co.jp
- Cassese, Antonio (2006). "The multifaceted criminal Notion of Terrorism in international Law", in: *Journal of International Criminal Justice*, vol. 4, No. 5, 933-958.
- Charter of the United Nations. 26 June 1945.
- Crenshaw, Martha (2004). *Terrorism in Context*, Penn St. University Press.
- Dugard, J. (1973). "Toward the Definition of International Terrorism: Proceedings of the American Society of International Law", in: *American Journal of International Law*, 67 (5): 94-100.
- Duyvesteyn, Isabelle (2010). "How New Is the New Terrorism?", in: *Studies in Conflict & Terrorism*, Vol. 27, pp. 439-454.
- Friedrichs, Jorg (2006). "Defining the International Public Enemy: The Political Struggle behind the Legal Debate on International Terrorism", in: *Leiden Journal of International Law*, Vol. 19, No. 1, pp. 69-91.
- Fry, James D. (2002) "Terrorism as A Crime Against Humanity and Genocide: The Backdoor to Universal Jurisdiction", in: *UCLA Journal of International Law and Foreign Affairs*, vol. 7., No. 1, 169-199.
- Greve, Hanne Sophie (2003). "Acts of Terrorism and Crimes within the Jurisdiction of the International Criminal Court", in: Morten Bergsmo (ed.). *Human Rights and Criminal Justice for Downtrodden*, Leiden/Boston: Marinus Nijhoff Publishers.
- Podgers, James (2003). "An Unused Weapon", in: *ABA Journal*, 19 September, available at: www.globalpolicy.org/intljustice/icc/2003/0922iccterror.htm
- Spencer, Alexander (2006). "Questioning the Concept of New Terrorism", in: *Peace Conflict & Development*, Issue 8.
- The General Assembly (1981). Declaration on the Inadmissibility of Intervention and Interference in the Internal Affairs of States A/RES/36/103, 91st plenary meeting, 9 December.
- The International Covenant on Civil and Political Rights, 16 December 1966.
- Williamson, Myra (2009). *Terrorism, War and International Law: The Legality of the Use of Force against Afghanistan in 2001*, Aldershot, UK: Ashgate Publishing Ltd.

References

- A Question of Laws. 2020. "Was U.S. Killing of Iran's Soleimani Self-defense or Assassination?", Available at: www.japantimes.co.jp
- Ardebili, Mohammad Ali; Habibzadeh, Mohammad Jafar; Fakhri Banab, Hoseyn. 2006. "Naslkoshi wa Zarurat Jorm Engari An dar Hoghugh Iran (Genocide and the Necessity of Criminalizing It in Iranian Law)", in: *Strategic Studies*, vol. 10, no. 3 (47), pp. 1-25. [in Farsi]
- Cassese, Antonio. 2006. "The Multifaceted Criminal Notion of Terrorism in International Law", in: *Journal of International Criminal Justice*, vol. 4, no. 5, pp. 933-958.
- Charter of the United Nations. 26 June 1945.
- Crenshaw, Martha. 2004. *Terrorism in Context*, Penn St. University Press.
- Dugard, J. 1973. "Toward the Definition of International Terrorism: Proceedings of the American Society of International Law", in: *American Journal of International Law*, 67 (5): 94-100.
- Duyvesteyn, Isabelle. 2010. "How New Is the New Terrorism?", in: *Studies in Conflict & Terrorism*, Vol. 27, pp. 439-454.
- Friedrichs, Jorg. 2006. "Defining the International Public Enemy: The Political Struggle behind the Legal Debate on International Terrorism", in: Leiden, *Journal of International Law*, vol. 19, No. 1, pp. 69-91.
- Fry, James D. 2002. "Terrorism as A Crime Against Humanity and Genocide: The Backdoor to Universal Jurisdiction", in: *UCLA Journal of International Law and Foreign Affairs*, vol. 7, no. 1, 169-199.
- Greve, Hanne Sophie. 2003. "Acts of Terrorism and Crimes within the Jurisdiction of the International Criminal Court", in: Morten Bergsmo (ed.). *Human Rights and Criminal Justice for Downtrodden*, Leiden/Boston: Marinus Nijhoff Publishers.
- Jawanmard, Majid; Niknafas, Mahdi; Gomari Kashi, Masud. 2003. "Ashnayi ba Diwan Beyn al-Melali Keyfari (Familiarity with the International Criminal Court)", Proceedings of the Office of Legal Studies of the Research Center of the Islamic Consultative Assembly. [in Farsi]
- Khabiri, Kabok. 2011. "Hoghugh Beyn al-Melali wa Masaleh Terorism (International Law and the Issue of Terrorism)", in: *International Relations Studies*, vol. 4, no. 17, pp. 151-178. [in Farsi]

- Mir Mohammad Sadeghi, Hoseyn. 2019. *Goftogu ba Khabargozari Ikna (Interview with IQNA News Agency)*, in: <https://www.icana.ir/Fa/News/>
- Namamiyan, Peyman. 2011. "Salahiyat Ghazayi Diwan Keyfari Beyn al-Melali dar Residegi be Terorism Beyn al-Melali (Jurisdiction of the International Criminal Court in the Case of International Terrorism)", in: *Strategic Studies*, yr. 14, no. 1, pp. 59-84. [in Farsi]
- Podgers, James. 2003. "An Unused Weapon", in: *ABA Journal*, 19 September, Available at: www.globalpolicy.org/intljustice/icc/2003/0922iccterror.htm
- Political Science Review*. 1984. vol. 78, no. 3.
- Spencer, Alexander. 2006. "Questioning the Concept of New Terrorism", in: *Peace Conflict & Development*, Issue 8.
- The General Assembly. 1981. Declaration on the Inadmissibility of Intervention and Interference in the Internal Affairs of States A/RES/36/103, 91st plenary meeting, 9 December.
- The International Covenant on Civil and Political Rights, 16 December 1966.
- Williamson, Myra. 2009. *Terrorism, War and International Law: The Legality of the Use of Force against Afghanistan in 2001*, Aldershot, UK: Ashgate Publishing Ltd.